



چند پیشنهاد کتاب

برای علاقه مندان

تلخی این خانه نشینی اجباری را شیرین کنیم

مریم شهبازی
خبرنگار

در این روزهایی که میهمان ناخوانده بدقدم درصدد است دو دستی گریبان‌مان را بچسبد، چاره‌ای نداریم جز اینکه در خانه بمانیم تا بلکه زنجیره‌اش زودتر قطع شود. هر چند که این قرنطینه خانگی هم کار چندان راحتی نیست، فارغ از نگرانی‌هایی که گرفتارمان کرده شاید یکی از دغدغه‌های اغلب‌مان این باشد حالا که خبری از سفر و دید باز دیدهای خانوادگی نیست تعطیلات نوروز را چطور سپری کنیم؟ هر چند که پاسخ این سؤال را به احتمال بارها شنیده‌اید: «کتاب بخوانیم و فیلم ببینیم.»

■ مامان‌دیم

به دنیای کتاب بازگردیم و پیشنهاد کتابی در قلمرو «پادآرمان شهرها» و به سبک و سیاق نویسنده‌ای همچون «جرج اورول» که از نخستین آغازگران این راه به شمار می‌آید. برای علاقه مندان این سبک که اغلب با نگاهی انتقادی به وضعیت کشورهای تمامیت خواه نوشته می‌شوند «کمونیسم رفت، ما ماندیم و حتی خندیدیم»، نوشته اسلاونکا دراکوولیچ، نویسنده و روزنامه نگار اهل کرواسی هم کتابی خواندنی است. همان ابتدا بهتر است بدانید با نسخه‌ای در حال و هوای رمان مشهور ۱۹۸۴ روبه‌رو هستیم، منتهی در شرایطی کاملاً رئال و دیرپاره اتفاقاتی که کشورهای اروپای شرقی در دوره حکمرانی شوروی سابق تجربه کرده‌اند. کتاب با قلمی ژورنالیستی نوشته شده و از آنجایی که ماجراهای آن همگی حاصل تجربیات شخصی اسلاونکاست، حضور او را به عنوان راوی در همه داستان‌ها می‌بینید و می‌توانید از این طریق با بخشی از زندگی مردم در دوران کمونیست‌ها آشنا شوید.

■ رازهایی از زندگی در کره شمالی

کتاب بعدی درباره سرزمینی است که از زمان کیم، ایل سونگ (پدر حاکم فعالی کره شمالی) مرزهای خروجی خود را به سوی مردمش بسته و با وضع قوانینی عجیب و غریب توجه جهانیان را به خود جلب کرده. البته همین قوانین عجیب و قطع ارتباط ساکنانش با دیگر کشورها، این سرزمین کمونیستی را به منطقه‌ای اسرارآمیز برای دیگران تبدیل کرده است. شاید باورتان نشود اما کره شمالی‌ها حتی برای شخصی‌ترین تصمیم‌گیری‌ها باید چگونگی آشنایی خود را گزارش بدهند تا اگر مسئولان به آنان اجازه دادند ازدواج کنند. همین نکات کافی است تا شوند قبل از هر اقدامی باید چگونگی آشنایی خود را گزارش بدهند تا اگر مسئولان به آنان اجازه دادند ازدواج کنند. همین نکات کافی است تا به سراغ کتاب «هزار فرسنگ تا آزادی» نوشته «یون سون کیم» به ترجمه زینب کاظم خواه از نشر ثالث برویم. این کتاب ماجرای تلاش مادر و دو دخترش برای فرار از کره شمالی است، فراری که نزدیک به یک دهه طول می‌کشد؛ در هنگام مطالعه این کتاب با ماجراهایی که بر این سه گذشته، با بخش‌های تلخی از آن چیزی روبه‌رو می‌شوید که بر زندگی مردمان تحت حاکمیت «کیم جونگ اون» می‌گذرد؛ از جمله اینکه اغلب آنان برای گذران زندگی حتی به ساده‌ترین مواد غذایی دسترسی ندارند و باید برای فرار از گرسنگی باید به سراغ ریشه گیاهان بروند؛ شاید حتی شنیده باشید که کافی است یکی از کره‌ای‌ها عکس حاکم خود را در خانه و به روی دیوار نداشته باشند تا گرفتار مجازاتی غیر قابل تصور بشود. این کتاب را بخوانید و همراه مادر و دو دخترش فرازهایی از زندگی افرادی را ببینید که شاید تصورش به فکرتان هم نرسد.

■ زندگی از دریچه نگاه آس و پاس‌ها

در چند سطر قبلی از کتاب روزنامه نگاری کروات گفتیم که دنباله رو خالق کتاب مشهور «قلعه حیوانات» است، حالا که بحث جرج اورول به میان آمده حیف است اگر در میان این پیشنهادها کتابی از او هم نباشد. برای افرادی همچون خود من که علاقه‌مند جدی نوشته‌های این نویسنده بریتانیایی هستیم، گذشته از کتاب ۱۹۸۴، یکی دیگر از کتاب‌های خواندنی اورول رمان «آس و پاس‌ها در پاریس و لندن» است که با ترجمه افراد مختلفی در دسترس قرار گرفته است. اما چرا این کتاب؟ اگر اورول را بشناسید یا حداقل جست‌وجوی مختصری درباره او در فضای مجازی انجام بدهید متوجه خواهید شد که او این رمان را بر مبنای تجربه واقعی‌اش از کارتن خوابی نوشته، آن‌طور که برخی منتقدان تأکید دارند این رمان برگرفته از تجربه‌ای است که در برهه‌ای بر او گذشته، البته همین اول بگوییم که جرج اورول نام مستعار اوست و «اریک آرتور بلر» نام واقعی این نویسنده بریتانیایی است که برخی او را جاسوس می‌دانند، مردی که آینده جوامعی نظیر کمونیستی را پیش‌بینی کرده که در نهایت به مرگی مشکوک دچار می‌شود. مسأله قابل تأمل درباره این کتاب تأثیر روانشناختی و از سویی تغییر نگاه ما به آدم‌هایی است که حضورشان در جامعه آنقدر عادی شده که شاید گاهی بدون اینکه آنان را ببینیم از کنارشان رد شویم. شخصیت اصلی این کتاب مردی کارتن خواب است، کافی است با اورول در این رمان همراه شوید تا ببینید که نهایت خواسته افراد این گروه از جامعه چقدر متفاوت از ماست، شاید باورش سخت باشد اما آدمی‌گاه به شرایط مبتلا می‌شود که دیگر آرزوهای عادی ما آدم‌های معمولی برایش رنگ می‌بازد. اورول در این کتاب مصداقی از آن جمله مشهور را پیش روی ما می‌گذارد که تا وقتی با کفش‌های کسی راه نرفته‌ای او را قضاوت نکن! «آس و پاس‌ها در لندن و پاریس» درباره افرادی است که غایت خواسته آنان جایی برای خواب، حتی اگر شده در یک گرمخانه حکومتی و نانی برای خوردن و شاید ته سیگاری برای کشیدن باشد. با وجود مضمون تلخ این رمان، اما حداقل فایده‌اش که البته اتفاق کمی هم نیست، این است که یاد بگیریم جهان اطراف و زندگی تنها آن چیزی نیست که از دریچه چشمان ما دیده می‌شود. بنابراین از مطالعه این کتاب غفلت نکنید.

■ رمانی از صادق هدایت کردزبانان

به‌عنوان فردی که یکی از علاقه‌مندی‌های شخصی‌ام در حوزه کتاب و کتابخوانی است نخستین پیشنهادم مطالعه رمانی از نویسنده‌ای ساکن اقلیم کردستان عراق است. «حصار و سگ‌های پدرم» نوشته شیرزاد حسن که به صادق هدایت کردزبانان مشهور است. نکته وسوسه‌کننده درباره این رمان آغازی رئال است که در نهایت به فضایی عجیب و سوررئال می‌انجامد؛ این نوشته شیرزاد حسن در حال و هوایی نوشته شده که برای اغلب ما خاورمیانه‌ای‌ها آشناست. داستان با ماجرای یک پدرکشی آغاز می‌شود؛ پدری که می‌توان او را نمادی از حاکمان مستبد هم دانست، البته اواز سویی بیان گر سنت‌های اشتباهی است که بیشتر از همه زنان را در کشورهای شرقی محدود و محبوس در تابوها کرده است. اغراق نیست اگر آن را یکی از بهترین رمان‌هایی بدانم که در این چند سال اخیر خوانده‌ام؛ شاید شما هم وقتی مطالعه این رمان اجتماعی-سیاسی را آغاز کنید آنقدر مقهور قلم نویسنده شوید که به ناچار هر چند صفحه‌ای را که خواندید دوباره به عقب برگردید و غرق کلمات و تشبیه‌هایی شوید که شیرزاد حسن از آنها بهره گرفته است.

■ پیشنهادی در ژانر وحشت

از این کتاب که به همت نشر چشمه و به ترجمه میروان حلیچه‌ای در اختیار علاقه مندان قرار گرفته بگذریم بد نیست که سری هم به برخی از مشهورترین ساخته‌های ژانر وحشت در سینما بزنیم. اگر تا به امروز چندان پیگیر ساخته‌های این ژانر نبوده‌اید جالب است بدانید که تماشای فیلم‌های وحشت و ترسناک آن‌طور که کارشناسان می‌گویند به تقویت سیستم ایمنی هم می‌انجامد؛ حالا مسئولیت شوخی و جدی‌اش با خودتان! «دکتر اسلیپ» فیلمی در همین ژانر است که سال ۲۰۱۹ به نویسندگی و کارگردانی «مایک فلناگان» در سینماهای جهان اکران شده، یکی از نقاط قوت این فیلم را می‌توان در اقتباسی دانست که برای تألیف فیلمنامه آن از نوشته استفن کینگ، نویسنده مشهور به سلطان ادبیات وحشت جهان انجام شده است. البته نباید فراموش کنید اگر پیشتر به تماشای شاهکار «استنلی کوبریک» با عنوان «درخشش» ننشسته‌اید، ابتدا درخشش را ببینید و بعد سراغ دکتر اسلیپ بروید، درخشش هم اقتباسی از دیگر نوشته کینگ بوده که زمان خود با استقبال بسیاری روبه‌رو می‌شود. به احتمال بسیار در وصف نقدهایی که درباره این فیلم نوشته‌اند خوانده‌اید. اینکه درخشش از برترین ساخته‌های سینمای وحشت جهان به شمار می‌آید؛ بویژه که در آن خبری از جلوه‌های ویژه و حتی کشت و کشتارهایی به سبک فیلم‌های اسلشر نظیر «اره» نیست و کارگردان با بهره گرفتن از نمادها و صحنه‌هایی کمتر دستکاری شده شما را گرفتار ترس و دلهره می‌سازد. درخشش را که دیده باشید از ماجرای خانواده جک تورنس، نویسنده‌ای که به همراه دنی، پسرش و همسرش برای زمستان عازم هتلی کوهستانی می‌شوند و ماجراهای آن هتل نفرین شده با خبر هستید. دکتر اسلیپ با وجود برخورداری از کارگردانی متفاوت، داستانی در ادامه درخشش است؛ شما در این فیلم با دنی در چهل سالگی اش روبه‌رو می‌شوید که از ترس ماجراهایی که بر او گذشته به مردی دائم‌الخمر تبدیل شده. امتیاز سایت IMDb به این فیلم ۸/۵ از ۱۰ است، آن هم در شرایطی که به ندرت فیلمی موفق به کسب چنین رتبه بالایی از این سایت می‌شود.

